

تحلیل محتوایی روایت «یرخی الصبی» تربیت فطرت محور

پروین خدارحمی *

عالیه چینی ساز **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲

چکیده

بنابر روایات متعدد، به ویژه روایت «یرخی الصبی»، که مورد تأکید پژوهش حاضر است، دوران تربیتی انسان به سه دوره هفت ساله تقسیم می شود که در هفت سال اول، تربیت کودک با نرمی، ملایمت و آزادی با معنایی خاص خود همراه است. با توجه به ضرورت هفت سال اول تربیتی و نقش آزادی در این هفت سال، در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می شود که این آزادی، به چه صورتی باید در شیوه تربیتی والدین قرار گیرد؟ با پاسخ به این سؤال اهمیت این هفت سال تربیتی و شیوه تربیتی در این هفت سال برای والدین روشن شود. از آنجا که پژوهشی مشخصاً هفت سال اول تربیتی را طبق روایت «یرخی الصبی» مورد بررسی قرار نداده و در پژوهش های گوناگون، فقط به مسائلی پیرامون تربیت فرزند در این هفت سال پرداخته و روایت «یرخی الصبی»، اهمیت هفت سال اول تربیتی و اهمیت آزادی در تربیت کودک، هر کدام به صورت جداگانه مورد پژوهش قرار گرفته است. این پژوهش با روشی

* دانش پژوه سطح دو، مدرسه علمیه الزهراء (ع) اهواز؛ Prwanhmfydy@gmail.com

** دانش پژوه مدرسه تخصصی سطح چهار الزهراء (ع) اهواز

تحلیلی از این روایت، به جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین پرداخته و در نتیجه، با بیان راهکارهای عملی معنای آزادی و ملایمت در این هفت سال را بیان کرده تا راهگشای والدین در این دوره پر اهمیت تربیتی باشد.

کلیدواژه: کودک، آزادی، هفت سال اول، تربیت، والدین



مقدمه

انسان از تولد تا ۲۱ سالگی، سیری را در جهت رشد و تکامل جسمی و روحی تا مرحله رسیدن به بلوغ نسبی طی می‌کند که این سیر تکاملی، با تغییرات روحی و جسمی همراه هست و در طی این ۲۱ سال در انسان ایجاد می‌شود. طبق روایات متعدد از اهل بیت علیهم‌السلام به این نتیجه می‌رسیم که این ۲۱ سال به سه دوره تربیتی تقسیم می‌شود که برای بهتری شدن این سیر تکاملی، لازم است به شناختی از ویژگی‌های هر کدام از این سه دوره برسیم و سپس با توجه به این شناخت، شیوه درست تربیتی در این سه دوره را بیابیم. از دیدگاه روایات دینی متعدد، کودک تا هفت سال اول زندگی سرور و سید است و بنا بر روایت «یرخی الصبی» از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، در این مرحله کودک باید آزاد گذاشته شود.

از آنجایی که شخصیت کودک در هفت سال اول زندگی شکل می‌گیرد، این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله، سعی شده با توجه به این نکته و شناختی که طبق روایات از این دوره پیدا می‌کنیم، به مفهوم آزادی در هفت سال اول پردازیم و به شیوه درست تربیتی در این دوره دست یابیم.

به طور کلی، در روایات به شیوه درست تربیتی در این هفت سال پرداخته شده است، اما جهت تسهیل در دستیابی به هدف و منظور دقیق این روایات، لازم است روایات به صورتی دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد.

در پژوهش حاضر سعی شده، بنا بر روایت «یرخی الصبی» که اشاره می‌شود، در هفت سال اول با نرمی و ملایمت با کودک رفتار شود، به گونه‌ای که به کودک آزادی داده شود. با زوشی تحلیلی از روایت، به این سؤالات پاسخ دهیم که هفت سال اول زندگی از چه میزان اهمیتی برخوردار است؟ به همچنین آزادی در این هفت





سال چقدر مهم است؟ وبعد از بررسی اهمیت هفت سال اول تربیتی و نقش آزادی در این هفت سال، این آزادی دادن به کودک و برخورد والدین با نرمی و ملایمت با کودکان در این هفت سال به چه شیوه‌ای در اصول تربیتی والدین باید اجرا شود؟

بررسی روایت «یرخی الصبی»

روایات تربیتی از مهم‌ترین روایاتی هستند که بسیاری از مسائل پیچیده تربیتی را پاسخ می‌دهند. در میان این روایات، روایات طول دوره نخست تربیت از روایات بنیادین و اساسی هستند که در دیگر روایات تربیتی اثرگذار و تعیین کننده می‌باشد. این روایات، دوبازه زمانی شش ساله و هفت ساله را برای دوره نخست تربیت تعیین می‌کنند (سلیمان زاده، ۱۳۹۹، ص ۶۹).

تعارضی که در روایات بین بازه زمانی شش و هفت ساله مشاهده می‌شود، تنها یک تعارض ظاهری است و اختلاف در فضای صدور احادیث، علت این تفاوت ظاهری در مقصود امام را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد، عواملی همچون ژنتیک، محیط و جنسیت، عواملی هستند که طول دوره نخست تربیت را تحت تاثیر قرار می‌دهند. افق رفیع و جامع معصوم علیه السلام موجب می‌شود که ایشان در کلام خود همه انسان‌ها را در نظر آورند و به شرایط گوناگون تکوینی و زیستی آنها توجه داشته باشند و با توجه به عواملی که ذکر شد، بازه متغیر بین شش تا هفت سال را به عنوان طول دوره نخست تربیت برشمارند (همان، ص ۸۳).

روایات گوناگونی در ارتباط با دوره نخست تربیت آمده که نشان از اهمیت

تربیت فرزند و این دوره تربیتی نزد ائمه معصومین علیهم السلام دارد. یکی از این روایات، روایتی است از امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرماید: «يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعاً وَيُؤَدَّبُ سَبْعاً وَيُسْتَخْدَمُ سَبْعاً». کودک در هفت سال نخست زندگی آزاد گذارده می‌شود و در هفت سال دوم، به آن ادب آموخته می‌شود و در هفت سال سوم، به خدمت گرفته می‌شود (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۱۶۵۳).

روایات دیگری از معصومین علیهم السلام وجود دارد که دال بر تأکید این روایت دوره تربیتی را به سه دوره تقسیم کرده و بازه شش و هفت ساله را به عنوان دوره نخست تربیتی ذکر کرده‌اند. برای مثال، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعِ نِينَ. فَإِنْ رَضِيتَ خَلَاتِقَهُ لِاحْدَى وَعَشْرِينَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ص ۱۳۸۰)؛ فرزند، هفت سال مولی، هفت سال بنده، و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحیات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الاً واگذار که در پیشگاه خدا معذوری.

یا روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، که به یکی از یارانش فرمودند: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدَّبُ سَبْعاً، وَالزِّمَّهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَالْإِفَاتَةُ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ص ۱۳۷۹)؛ فرزندت را تا هفت سالگی بگذار بازی کند، بعد از آن، هفت سال او را ادب [و دانش] آموز و هفت سال او را همراه خود کن؛ اگر درست شد که شده، وگرنه خیری در او نیست. یا در روایتی دیگر فرمودند: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ، وَيَتَعَلَّمُ الْحَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ص ۱۳۷۹). پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد بگیرد.



بخش اول روایت «یرخی الصبی» از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ارتباط با دوره نخست تربیتی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است

اهتمام به تربیت در هفت سال اول زندگی کودک

یرخی، از ماده «رخو»، به معنای نرمی و ملایمت و رفق و مداراست. «صبی»، از ماده «صبو»، به معنای میل کردن و منعطف شدن به سوی چیزی است و کودک در دوران صبا، میل به والدین خود را بیشتر از سایر دوران دارد و بیشترین تأثیر را از والدین می‌گیرد (شهبازی، ۱۳۹۳، ص ۶). سال‌های اولیه زندگی کودک از حساسیت و اهمیت بالایی برخوردار است و مورد توجه ویژه روان‌شناسان قرار گرفته است؛ آنها این دوران را سال‌های رشد شخصیت کودک می‌دانند و معتقدند: توجه و دقت به این دوره تربیتی موجب جلوگیری از بروز مشکلات در آینده می‌شود. طبق نظریه‌های روان‌شناس و نویسندگان کتاب روان‌شناسی کودک و بالغ، شخصیت کودک طی سه سال اول زندگی شکل می‌گیرد و از آغاز تولد تا پایان دوسالگی، انگیزه‌های جسمانی مثل کنجکاوی، پرخاشگری، ترس و غیره بروز پیدا می‌کند و سال‌های سوم و چهارم بین این انگیزه‌ها، هماهنگی تحت فرمان اراده ایجاد می‌شود. بنابراین، در این سال‌های حیاتی پایه‌های شخصیتی کودک شکل می‌گیرد که اگر تمایلات و انگیزه‌های او برای ابزار، امکانات کافی داشته باشد و درست راهنمایی شود، کودک دارای اراده قوی و طبعی بانشاط و اخلاقی مطلوب خواهد شد و عکس این، کودک قادر به روبه‌رویی با مسئولیت‌های خود هم نخواهد بود و در معرض حمله اختلالات روانی گوناگون قرار می‌گیرد و غالباً علل اساسی



ناراحتی‌های روانی از حوادث سه چهار سال اول زندگی سرچشمه گرفته است (منصوری، بی تا، ص ۱۸). از منظر روایات نیز این مرحله، مرحله سیادت دانسته شده است.

در فرهنگ معین، سیادت به معنای سروری، بزرگی کردن و شرف یافتن است. بنابراین، سیادت کودک در این دوران به معنای، آزادی مطلق کودک دانسته می‌شود. در این مرحله، کودک ولع زیادی به بازی دارد. بنابراین، والدین، طبق روایات و نظریاتی که به آن اشاره شد، باید راه بازی را برای کودک باز بگذارند؛ زیرا میل به راحتی و رفع نیازهای اولیه و میل به کنجکاوی، که انسان مشتاق دیدن و دانستن است، از امیال فطری انسان هستند که از بدو تولد بروز پیدا می‌کند.

نکات تربیتی که در هفت سال اول می‌توان اشاره کرد، این است که نمی‌توان توقع اطاعت و فرمان برداری از کودک را داشته باشیم؛ زیرا کودک در مرحله سیادت خود را موظف به اطاعت و فرمان برداری از شما نمی‌داند و فطرتاً خود را امیر می‌پندارد. در این مرحله، نباید امر و نهی شود. در نتیجه اینکه برخی از والدین فکر می‌کنند کودک زیر هفت سال شخصیت شکل گرفته‌ای ندارد و شخصیت آن بعد از کودکی یا نوجوانی شکل می‌گیرد، اشتباه است و کودک در این دوره دارای شخصیتی آزاد برای بروز امیال فطری خود است و نکته بسیار مهم این است که بسیاری از رفتارهای تربیتی ما در دوره اول هفت سالگی سازنده شخصیت کودک است و باید تربیت را همانند زمین زراعتی فرض کنیم که نوع برخورد ما با کودک در زیر هفت سال زمین روح و روان کودک را برای آموزش تربیتی در هفت سال بعدی آماده می‌کند. در دوره هفت ساله اول، برخورد ما با کودک شخصیت دوره جوانی و نوجوانی آن را پایه‌ریزی می‌کند که بسیاری از مشکلات تربیتی ناشی از همین



جاست.

اگر این مزرعه روح و روان کودک آمادگی لازم برای زراعت پیدا کند، کار والدین در هفت سال بعدی فقط پاشیدن بذر است. این بذرها در روح و روان کودکانی که این هفت سال اول را خوب طی کرده‌اند به خوبی رشد خواهد کرد. بنابراین، بحث آزادی به دوره پیش از هفت سال مربوط می‌شود و پدر و مادر باید به طور ویژه‌ای نسبت به آن آگاهی پیدا کنند.

اهتمام به آزادی در هفت سال اول زندگی

در سنین خردسالی و زیر هفت سال، آزادی دادن به کودک یکی از اصلی‌ترین رفتارهایی است که پیام محبت را منتقل می‌کند و کودک از کسی که آزادی بیشتری برای او در نظر می‌گیرد و به امیال فطری او پاسخ صحیح می‌دهد، علاقه بیشتری از خود نشان می‌دهد و در اینجاست که اهمیت آزادی در روایت «یرخی الصبی» نمایان می‌شود.

ما نباید آزادی را یک توقع زیاده‌خواهی از سوی کودک بدانیم، آزادی نیاز کودکان است و تا هفت سالگی باید به این نیاز پاسخ مثبت بدهیم. یکی از مهم‌ترین عوامل شکوفایی استعداد های کودک، بازی است و بسیاری از بازی‌ها در تربیت کودک تأثیر بسیار مثبتی دارد و این بدون آزادی دادن به کودک امکان‌پذیر نمی‌باشد.

بنابراین، آزادی مقدمه بازی‌های کودکانه است؛ حق آزادی به قدری اهمیت دارد که حتی مسئله مقدس آموزش علم هم نباید مانع این آزادی شود. در تربیت دینی، آموزش رسمی در دوره پس از هفت سال توصیه شده



است؛ کودک زیر هفت سال باید مشغول بازی آن هم در اوج آزادی باشند.

امام خمینی رحمه الله، به آزادی کودکان به شدت معتقد بودند و در این باره از ایشان نقل شده که فرموده‌اند: «بچه شیطان است. او باید شیطنت کند و بچه‌ای که یک گوشه بیفتد و بخوابد، چهارزانو بنشیند، این بچه نیست بزرگ سال است. بچه نباید بنشیند و اگر یک جا نشست شما باید ببینید چرا نشسته و اگر خوابید ببینید چرا خوابیده؟ بچه باید شیطنت کند» (دیدار آشنا، ش ۷، ۱۳۷۷).

کودکان در این سن، به صورت غریزه از هر چیزی که آزادی‌شان را سلب کند، فراری‌اند و این مسئله یکی از نشانه‌های ضریب هوشی مناسب بچه‌هاست. در روایتی آمده است: «رُوی أَنَّ أَكْيَسَ الصَّبِيَّانِ أَشَدُّهُمُ بُغْضًا لِلْكِتَابِ»؛ روایت شده که باهوش‌ترین کودکان، کسانی هستند که بیش از دیگر کودکان از مدرسه بدشان می‌آید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶ ص ۵۱ ح ۲ و ۳؛ قمی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۸).

کودکان بدون آموزش، می‌دانند که به هنگام گرسنگی باید بخورند و بر اساس همین نیاز، اگر کسی به آنان خوراکی بدهند، با او دوست می‌شوند و به عکس، اگر کسی خوراکی آنان را بگیرند، با او بد می‌شوند. با هر کسی که به آنان آزادی دهد، دوست می‌شوند و از هر کس که آزادی‌اش را سلب کند، فرار می‌کنند و علم و آموزش البته از نوع رسمی هم از این قاعده مستثنی نیست. آزادی یک نیاز در همه بچه‌ها است و نباید از اینکه کودکی آرام است و میل به آزادی و جست‌وجی‌زندان دارد، خوشحال باشیم، بلکه باید به دنبال علت آن رفته، ریشه عدم تمایل کودک به آزادی را پیدا کنیم.



آثار و پیامدهای آزادی در تربیت کودک

در اینجا به شش اثر مهم آزادی برای تربیت صحیح می‌پردازیم (ر.ک: ولدی، ۱۴۰۱: ص ۳۷):

۱. ایجاد رابطه عاطفی میان کودک و والدین

یکی از پایه‌های اصلی تربیت، رابطه عاطفی میان والدین و فرزندان است که آزادی به وی، از راه‌های ابراز محبت به کودکان است که موجب محکم شدن رشته این رابطه عاطفی می‌شود. نتیجه این رابطه عاطفی، ایجاد روحیه تبعیت در کودک است که در زمان کنترل خطوط قرمز آزادی؛ یعنی کارهای خطرناک و زشت به کمک والدین می‌آید.

۲. تخلیه انرژی و رسیدن به آرامش

کودکان، به ویژه پسران به صورت غریزی دنیایی از انرژی‌های نهفته‌اند که این انرژی‌ها مانند غذا برای ایجاد شادابی و رشد کودک لازم است. جست‌وجیز کودک، حاصل این انرژی‌هاست. حاصل این تخلیه انرژی، رسیدن کودک به آرامش مقطعی و دائمی است.

- آرامش مقطعی: این آرامش در نتیجه تخلیه انرژی کودک در طول روز به دست می‌آید که در نتیجه مشکلاتی مانند بد خوابی را از کودک دور می‌کند و کودک به آرامش حاصل از استراحت کافی، دست پیدا می‌کند.

- آرامش دائمی: اگر انرژی‌هایی که به صورت فطری در کودکان وجود دارد، به شیوه صحیح در زمان مناسب خود؛ یعنی هفت سال اول زندگی تخلیه



شود، پس از گذر از این هفت سال، کودک دارای روحیه‌ای آرام و آرامشی استاندارد است که او را تحت کنترل والدین قرار می‌دهد.

۳. دستورپذیری

باتوجه به فطرتی که در وجود کودک نهفته است، وقتی کسی به تاج و تخت پادشاهی کودک احترام می‌گذارد، پس از هفت سال، او آماده‌ی واگذاری این تاج و تخت می‌شود و دوست دارد بندگی کسی را بکند که به او آزادی داده است. از این رو، طبق ادامه‌ی روایت «یرخی الصبی»، کودک پس از این هفت سال، مهیای آموزش‌پذیری خواهد شد.

۴. پاسخ به حس کنجکاوی کودک

یکی از ویژگی‌های طلایی کودک، کنجکاوی اوست. کودکان دوست دارند ببینند زمانی که با اشیای مختلف خانه بازی می‌کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ این اتفاق‌ها علاوه بر ایجاد تجربه‌های جدید و لذت بردن، به آگاهی آنان می‌افزاید و در این کنجکاوی، نوع برخورد با محیط اطراف را یاد می‌گیرند.

۵. کمک به استقلال کودک

اولین راه استقلال دادن به کودک آزاد گذاشتن اوست، زمانی که در همان حدود مشخص، کودک در محیط خانه رها می‌شود و کسی در کار او دخالت نمی‌کند و به بهانه‌های مختلف، او را امر و نهی نمی‌کند، از همان کودکی استقلال و ایستادن روی پای خود را تجربه می‌کند.



۶. کمک به بزرگ شدن کودک

برخی از مطالبه‌های کودکان برای آزادی، زودگذر است و با پاسخ دادن بدون حساسیت به این خواسته‌ها، پس از مدتی متوجه می‌شویم که کودک خود از آن‌ها خسته شده و آن را کنار می‌گذارد. در غیر این صورت، او در سنین بالاتر به این کارهای بچه‌گانه تمایل دارد.

آثار و پیامدهای سلب آزادی کودک

اگر برای نیاز اساسی کودک به آزادی، محدودیت‌های بی‌جا ایجاد کنیم و این نیاز فطری آنان را سرکوب کنیم، باید منتظر آثار زیان‌باری در کودک خود باشیم که برخی از آنها عبارتند از: (عباسی ولدی، ۱۴۰۱: ص ۴۹).

۱. شرارت

اگر برای جنب و جوش و فعالیت کودکان، که موجب آزاد شدن انرژی پنهان آنهاست، محدودیت بی‌جا ایجاد کنیم و اجازه تخلیه انرژی‌های کودک را به او ندهیم، باید در سنین بالاتر، منتظر عقده‌گشایی او همراه با شرارت باشیم. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «تُسْتَحَبُّ عَزَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا كَذًّا»؛ بازیگوشی و شیطننت بچه در دوران خردسالی پسندیده است؛ زیرا در بزرگسالی بردبار شود، شایسته نیست که کودک حالتی جز این داشته باشد (متقی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۹۱، ح ۳۰۷۴۷). این نکته قابل توجه است که شیطننت زیر هفت سال، نشانه سلامت روانی کودک است؛ اما شرارت بعد هفت سال، نشان دهنده عدم سلامت روحی و تربیت فرزند است.



۲. لجاجت

کودک با افرادی که حق آزادی او را سلب می‌کنند، مبارزه می‌کند و اصلی‌ترین راهی که برای به دست آوردن حق خود انتخاب می‌کنند، لجاجت است. او می‌داند که والدین حوصله فریاد او را ندارند. به همین دلیل، وقتی حق آزادی‌اش زیر پا گذاشته می‌شود، با بهانه‌گیری‌های مکرر و بلندکردن صدا، گریه کردن، قهرکردن یا غذا نخوردن و... اعتراض خود را نشان می‌دهد. در این صورت، دو حالت به وجود می‌آید: یا والدین تسلیم می‌شوند و یا مقاومت می‌کنند. در حالت اول، فرزند می‌آموزد با لجاجت به هدف خود خواهد رسید و این کار، آموزش غیرمستقیم لجاجت به اوست. دیگر اینکه رابطه عاطفی کودک و والدین، نه تنها بیشتر نمی‌شود، بلکه کودک حالت جنگی به خود می‌گیرد و می‌خواهد حق خود را از کسانی که آزادی او را سلب کردند، بگیرد؛ در نتیجه، والدین بازنده میدان هستند.

در حالت دوم، آن قدر کودک لجاجت می‌کند که کام پدر و مادر را تلخ می‌کند. همچنین رابطه عاطفی از حالت اول هم شکننده تر است و کارهای محبت‌آمیز دیگر پدر و مادر به چشمش نمی‌آید و آنها را کسانی می‌بیند که به او ظلم کرده‌اند و یا حقش را زیر پا گذاشته‌اند.

۳. افسردگی

یکی از اصلی‌ترین علل شاد نگه داشتن کودک، آزادی دادن به اوست. پاسخ نگفتن به این نیاز کودک، خانه را برای او تبدیل به زندان می‌کند و شادی روحی او را سلب می‌کند.



۴. ترس

ترسوسدن کودک، یکی از آسیب‌هایی است که در نتیجهٔ امر و نهی والدین برای سلب آزادی کودک به وجود می‌آید. اگر کودک برای آزادی که مهیا شدن فضایی برای تجربه است، با مخالفت‌ها و ممانعت‌های پی‌درپی والدین روبه‌رو شود، جرئت و جسارت خود را برای انجام کارهای مختلف از دست می‌دهد.

۵. از بین رفتن بعضی از علایق مثبت

برخوردهای تند با کودک، زمانی که در حال پاسخ‌گفتن به علائق مثبت و سازندهٔ خود است، ممکن است منجر به از بین رفتن این علائق شود. ارتباط کودک با بعضی از امور با بازی آغاز می‌شود. مثل کتاب خواندن، غذا خوردن و حتی انجام امور دینی و...، ارتباط کودک با این علائق مفید و سازنده، با استفادهٔ درست از آنها آغاز نمی‌شود، بلکه با بازی کردن با آنها آغاز می‌شود که اگر در زمان بازی با آنها با امر و نهی‌ها، خشونت و عصبانیت و محدودیت‌های بی‌جا روبه‌رو شود، خاطرهٔ خوش خود را از این موارد از دست می‌دهد و با آسیب‌هایی مثل بد غذایی، نفرت از کتاب خواندن و دوری از امور دینی و... را برای او به دنبال دارد. نکته دیگر در ارتباط با کلاس‌های آموزشی، به خصوص کلاس‌های آموزش قرآن برای کودکان زیر هفت سال است. اگر این کلاس‌ها محدود کنندهٔ آزادی کودک در کلاس و خانه باشند، به نظر می‌رسد نتیجه مطلوبی ندارد و موجب انس کودک با قرآن نمی‌شود. برای حل این مسئله، باید به چند نکته توجه داشت:



۱. کودک زیر هفت سال آماده محدود شدن و فرگرفتن درس نیست. پس باید بازی وجست وخیز را محور اصلی قرار دهند و آموزش در متن بازی باشد.

۲. مادران نباید با اسیر شدن در دام چشم و هم چشمی، برای عقب نیفتادن کودک خود از دیگران، به اوفشار بیاورند و آزادی کودک را سلب کنند. مادران باید بدانند محدود کننده بچه نباشد؛ زیرا این امر موجب فاصله گرفتن کودک از قرآن و امور دینی می شوند.

۳. اگر احساس کردید کودک حوصله این کلاس ها را ندارد، او را به این کلاس ها نبرید و با برخورد نامهربانانه و فشار روحی برای ادامه ندادن این کلاس ها، رابطه کودک را با قرآن از بین نبرید.

۶. مخفی کاری

کودکان به سادگی دست از آذایشان بر نمی دارند. در صورتی که با مبارزه والدین با آذایشان روبه روشوند، شروع به مخفی کاری می کنند. کودکی که به مخفی کاری عادت کند، ممکن است این عادت تا بزرگسالی او ادامه پیدا کند. اگرچه آزادی در خفا، پاسخی به نیاز کودک است، اما لذت اصلی را برای او ندارد و با اضطراب به آزادی پنهانی رو می آورد و آن را بهتر از هیچ می داند. این مخفی - کاری، آسیب های دیگری مانند دروغ گو شدن کودک را نیز به همراه دارد.

۷. از بین رفتن اقتدار والدین

پدر و مادری که فرزندشان را در طول شبانه روز آزاد نمی گذارند و دائماً او را امر و نهی می کنند، از جایی به بعد مجبور به کوتاه آمدن می شوند و ابهت دستور آنها در



نگاه فرزند از بین می‌رود. درحالی که والدین در تربیت کودک نیازمند این ابهت هستند.

چگونگی آزادی کودک در هفت سال اول

در خصوص اهمیت آزادی در هفت سال اول بحث شد. متوجه شدیم که کودک از آغاز تولد با گرایش‌های خود آشنا می‌شود. در نهایت، قرار است با دادن آزادی به کودک، تمایلات فطری او مدیریت شود و زمینه رشد شخصیت کودک را فراهم کند. اما چه اتفاقاتی باید در زندگی کودک رقم بخورد، تا بتواند تمایلات خودش را مدیریت کند؟ کسی که می‌خواهد تمایلاتش را مدیریت کند، علی‌القاعده اول باید تمایلات خودش را بشناسد. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «فرزند در هفت سال اول زندگی اش، باید مانند مولا باشد: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدُ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرُ سَبْعَ سِنِينَ» (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۲۱/ص ۴۷۶)؛ اینکه کودک در این مدت، باید مثل مولا باشد؛ یعنی هر کاری که دلش می‌خواهد انجام دهد و زمینه آزادی برای او فراهم شود.

از آثار دادن آزادی به کودک و اینکه اگر زمینه آزادی‌های سالم برای او فراهم نشود، آثار زیانباری به دنبال دارد. برخی از مشکلات اخلاقی که در کودکان مشاهده می‌کنیم مانند شرارت، لجاجت، رشد نکردن علایق مثبت کودک و رذائلی مانند مخفی‌کاری و... در نتیجه، پاسخ مثبت ندادن به گرایش فطری کودک به آزادی به وجود می‌آید، اینکه گاهی اوقات، بچه‌ها به یک چیز زیادی گیر می‌دهند.

در نتیجه، کودک با نداشتن آزادی کافی برای کسب تجربه، گرایش‌های



دیگر خود را نشناخته و ما باید با استفاده درست از این گرایش فطری، زمینه رشد شناخت کودک از دیگر گرایشات وی را فراهم کنیم.

۱. اقدامات مهم در هفت سال اول تربیت کودک

سه اقدام مهم در تربیت کودک در هفت سال اول به شرح زیر است
 (<http://panahian.ir/post/4747>):

۱. توسعه تمایلات

توسعه تمایلات یا کمک به کودک در جهت تکثیر تمایلات او، مهم‌ترین هدف راهبردی است. باید درک کودک را از تمایلاتش و تنوع و تکثیر تمایلاتش افزایش دهیم. مثلاً به او نشان دهیم که این را دوست داری، آن را هم دوست داری و... باید سعی کنیم کودک متوجه کثرت تمایلاتش بشود؛ یعنی متوجه شود تمایلات متنوع و متکثری دارد که باید نسبت به آنها آگاهی پیدا کند. تمایلات کودک در جهات مختلفی است: مثل علاقه به پدر و مادر، اسباب بازی، خوردنی‌ها و حتی علاقه‌های انسانی، مانند علاقه به پیروزی، برتری جستن نسبت به دوستانش و در وجوه مختلفی که روابط مختلفی را احاطه کرده‌اند.

۲. تجربه تمایلات

اقدام دوم این است که کودک باید تمایلات خود را تجربه کرده، سیرچشیده باشد؛ زیرا در هفت سال بعدی قرار است این تمایلات را محدود کنیم. کودک باید از احساس امنیت و محبت پدر و مادر خود سیر باشد؛ زیرا بعدها این دو، خود عامل محدود کننده‌اند و در آن زمان، نباید به دلیل این محدودیت، احساس



دشمنی نسبت به والدین خود کند. باید دوستی آن‌ها قبلاً برای اثبات شده باشد. در نتیجه، بازی‌های مختلفی در جهت آزادی کودک طراحی کنیم تا کودکان به آنچه می‌خواهند برسند و سعی کنیم با ایجاد محرومیت و شکست در آزادی و بازی‌های آنان، زمینه پذیرش محرومیت‌های پیشنهادی در آینده و مدیریت تمایلات را در آنان از بین نبریم.

زمانی که کودک در عمر هفت ساله، به خواسته‌هایش نرسیده باشد، پس همواره تلاش دارد که به خواسته‌هایش برسد. به عبارت دیگر، کودک در هفت سال اول، نباید عقده‌ای بار بیاید. توسعه تمایلات قبل از تجربه تمایلات بیان می‌شود؛ زیرا کودک تمایلات خود را به مرور به صورت فطری تجربه می‌کند و منتظر ما برای نشان دادن این تمایلات نیست. به همین دلیل، توسعه تمایلات را بیشتر ترجیح دادیم.

۳. انتخاب تمایلات (به کمک تعقل)

گام سوم، تعقل است که کودک در همین دوران هم باید به آن ورود پیدا کند. در نتیجه، کودک برای مدیریت تمایلاتش هم باید تمایلات خود را تجربه کند و هم متوجه کثرت تمایلاتش شود و هم بتواند بین تمایلات خود انتخاب درست داشته باشد. از این رو، در بسیاری از بازی‌ها بدون وارد کردن فشار روحی به کودک، به او امکان انتخاب می‌دهیم تا نتیجه انتخاب خود را ببیند و اینگونه او را از کودکی به انتخاب کردن وادار می‌کنیم. در نتیجه، به رشد عقلی او کمک کرده‌ایم.

اگر در هفت سال اول عقل کودک را رشد دهیم؛ یعنی قدرت میل به



انتخاب برتر را در او پرورش دهیم، کار والدین برای هفت سال دوم راحت تر می شود. برای مثال، شما دو چوب در اختیار کودک می گذارید: یکی نازک تر که زود خراب می شود و دیگری محکم تر. سپس به او اجازه انتخاب می دهیم که با هر کدام خواست کار دستی بسازد. اگر او چوب ضعیف را انتخاب کرده باشد و بعد از مدتی کار دستی او خراب شد، به او می گویید: بهتر بود کار دستی را با چوب محکم تر می ساختید. کودک نیز در مرتبه بعد، با چوب بهتر کار دستی می سازد. شما با این روش، عقل کودک را در کمال آزادی اش برای انتخاب رشد داده اید. اینکه ما سازوکاری را پیاده کنیم که کودک متوجه امیال عمیق خود بشود، زمینه را برای درک درست او از دنیای پیرامون فراهم کرده ایم. اینکه ما امیال عمیقی داریم که برای رسیدن به آنها باید از امیال سطحی خود دست برداریم. این با صحبت کردن ایجاد نمی شود، هفت سال طول می کشد.

نتیجه اقدامات هفت سال اول تربیت کودک

در نتیجه این سه اقدام آموزشی، به سه هدف اصلی دست می یابیم

(<http://panahian.ir/post/4747>)

۱. پاسخ به امیال اصلی

دوران دوم زندگی؛ یعنی هفت تا چهارده سالگی زمان قدرتمند شدن در مخالفت با دوست داشتنی ها است و این نیازمند تمرینات فراوان و متنوع است. اما کودکی که از هفت سالگی می خواهد برای قوی شدن در کنترل امیال خود تمرین کند، این تمرین نیازمند پاسخ منفی به برخی خواسته ها و دوست



داشتنی هایش است تا فردی قوی شود. نباید قبل از هفت سال دوم دچار عقده و عدم ارضاء امیال باشد. بنابراین، یکی از اهداف در هفت سال اول، این است که کودک به امیال اصلی خود مثل کنجکاوی، برتری طلبی، استقلال طلبی، محبوب بودن، زیبایی گرایی و... در حد لازم پاسخ داده باشد.

۲. خودشناسی و تجربه انواع امیال

زمانی که کودک امیال مختلف و متنوع خود را بشناسد و تجربه کند، به نوعی خودشناسی آغاز می شود. اینجا لازم است والدین مراقب باشند، فضا و محیط پیرامونی کودک به گونه ای نباشد که او در یکی دومیل خاص محدود و غرق شود و تجربه ای در زمینه دیگر امیال اصلی خودش نداشته باشد. یکی از وجوه ضرورت رسیدن به این خودشناسی، این است که در هفت سال دوم تمرین مدیریت و کنترل امیال، به کمک همین امیال پایه شکل می گیرد. بدین ترتیب، محور و کار اصلی در دوران هفت سال اول، افزایش آگاهی ها و رشد اخلاقی نیست. البته آموزش اشکالی ندارد، ولی اصالت ندارد و نباید کودک برای آموزش متحمل فشار شود و احساس آزادی خود را از دست بدهد و یا تأمین اقتضائات آموزش موجب سلب آزادی های کودکانه و ایجاد عقده و عدم شکوفایی تمایلات پایه ای او بشود.

۳. درک زیبایی مخالفت با دوست داشتنی ها در رفتار والدین

درست است که دوران تربیتی همراه با برنامه والدین از هفت تا چهارده سالگی است، اما بالاخره کودک رفتار پدر و مادر را در همین هفت سال می بیند



و کاملاً از آن تاثیر می‌پذیرد. در هفت سال اول، ما از کودک نمی‌خواهیم که با دوست داشتنی‌هایش مخالفت کند و برنامه‌ای در این جهت برای او نداریم. اما او باید زیبایی مخالفت با دوست داشتنی‌ها را در والدین خود ببیند. مخصوصاً مادر؛ زیرا دیدن رفتار خوب یا بد مادر، به خاطر علاقه‌شیدی که کودک به مادر دارد، اثرش بسیار بیشتر از پدر یا هر شخص دیگری است. زمانی که کودک اجرای خوب مخالفت با دوست داشتنی‌ها را در عمل مادر ببیند، رفتارها را تقلید می‌دهد و ریشه‌های شخصیتی کرامت، بزرگواری، سخاوت و تمامی خوبی‌ها و قدرت‌های روحی در او شکل می‌گیرد و تقریباً تا آخر عمر با او می‌ماند.

۴. تفاوت اقدامات اهداف تربیتی در هفت سال اول بین دختر و پسر

این اهداف در سنین مختلف و بین پسر و دختر، دارای تفاوت‌های جزئی هست؛ اما کلیت آن فرقی نمی‌کند. مثلاً ممکن است پسر میل به بازی گوهی و شیطنت فیزیکی بیشتری داشته باشد و دختر میل به روابط عاطفی و کلامی؛ اگر به پسر دوره زیر هفت سال میدان داده شود، و به قدر کافی به تمایل شیطنتش پاسخ داده شود، در دوره‌های بعد عقده شیطنت ندارد و می‌تواند صبور باشد. دختر بچه هم اگر میل به محبوبیت یا خودنمایی‌اش پاسخ یافته شود، در دوره بعد عقده کمبود محبت ندارد. به هر حال، هر کودک هر ویژگی که به صورت ژنتیک دارد، در آینده نیز همان ویژگی‌ها را دارد و طبعاً نیازمند توجه بیشتری خواهد بود تا به صورت یک عنصر ناهنجار ظاهر نشود (همان).

۵. علل سلب آزادی کودکان توسط والدین

آزاد نگذاشتن کودک از سوی والدین، می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد: از



جمله ناآگاهی، بی‌حوصلگی والدین، به هم‌ریختگی خانه، کم بودن زمان مادر، لوس شدن و سوء استفاده کودک از آزادی، عادت کودک به آزادی پس از هفت سال، تمایل کودک به آزادی حتی در مهمانی‌ها، اعتراض بچه‌های بزرگ‌تر، حرف مردم و طرد شدن توسط فامیل، شرایط خاص زندگی دوران امروزی، مخالفت یکی از والدین، آموزش ندیدن نظم، اسراف، تبذیر و مریض شدن. اما ذکر این موارد به این معنا نیست که چون این دلایل وجود دارد، پس باید آزادی کودک به خاطر آنها سلب شود، بلکه کنترل هریک از این موارد، نیازمند آگاهی بیشتر والدین است که توضیح در مورد آن‌ها مجال دیگری - طلبد (ولدی، ۱۴۰۱: ص ۷۳).

راهکارهای هنر آزاد گذاشتن کودک

چند راهکار کلی در ارتباط با هنر آزاد گذاشتن کودک، عبارتند از (همان، ص ۱۳۷):

۱. دقت در انتخاب وسیله: باید به هنگام خرید وسایل خانه، چیزی انتخاب کنیم که در تربیت کودک به مشکل نخوریم. مثلاً اگر فرش روشن بخریم، سریع لک دار می‌شود. اما فرش تیره، لکه را زیاد نشان نمی‌دهند. لیوان های سفره، به جای شیشه ای می‌توان از لیوان پلاستیکی استفاده کرد.
۲. ایجاد فضای آزاد در محیط بیرون از خانه: اگر در آپارتمان زندگی می‌کنیم، یا فضای کمی برای جست و خیز کودک داریم، پس فضایی بیرون از خانه برای او فراهم کنیم. مثل پارک
۳. حساسیت در انتخاب محل زندگی: کسی که خانه می‌خرد، به تربیت



کودک نیز باید توجه داشته باشد. مثلاً می‌تواند خانه‌ای بزرگتر بگیرد، گرچه در پایین شهر است و ارزان‌تر اما کودک می‌تواند آزادانه بازی کند.

۴. مدیریت در چینش وسایل: ما باید وسایل را به نحوی بچینیم که فضای بیشتری برای جست و خیز کودک فراهم کنیم. مثلاً حتی برای آینده تربیتی فرزندمان، مبلمان را جمع کنیم.

۵. مشارکت و هدایت: برای کم کردن تبعات آزادی کودک، در بازی او شریک شده و او را به جای دیگر منتقل کرد. مثلاً اگر می‌خواهید آب بازی او را از اتاق به آشپزخانه انتقال دهید، ابتدا وارد بازی او شوید. بعد به عنوان یک همبازی پیشنهاد انتقال مکان بازی را به آشپزخانه بدهید. البته با این کار غیر از اینکه مکان را انتقال می‌دهید، بلکه رابطه عاطفی با فرزند چند برابر خواهد شد.

۶. نمونه‌هایی از هنر آزادی کودکان (همان، ص ۱۴۱).

نمونه‌هایی از هنر آزاد گذاشتن کودک به صورت کاربردی عبارتند از:

۱. بازی بامهر: کودکان دوست دارند با مهر بازی کنند. اما برخی والدین، هنگام نماز مهر در دستشان می‌گیرند که با این کار فرصت لذت بازی را از بچه می‌گیرند یا با خشونت مهر را از کودک می‌گیرند. این کار علاوه بر ضربه روحی، موجب می‌شود خاطره تلخی در ذهنش نقش می‌بندد. پس چکار کنیم؟

الف. نماز خواندن با دومهر: اگر فرزند عادت به خوردن مهر ندارد، یک مهر را دست بگیرید، یک مهر جلو خود بگذارید تا کودک بردارد و با آن بازی کند.

ب. استفاده از مهر سنگی: اگر فرزند به مهر خوردن عادت دارد، می‌توانید از مهر سنگی استفاده کنید و حتی می‌شود آن را شست

ج. برای کودک جانماز و مهر بخرید: با خرید مهر مخصوص موجب می‌شود



کودک به سمت مهر خودش برود و در تمام نمازکنارتان با مهر بازی کند و علاوه بر آن، آموزش غیرمستقیم نماز هم برای او در پی خواهد داشت.

۲. آب بازی: بچه‌ها به آب بازی علاقه زیادی دارند، اما دو مشکل وجود دارد: یکی محیط اطراف خیس می‌شود. دوم اینکه احتمال سرما خوردگی وجود دارد. راه حل کار این است که

الف. استفاده از سفره پلاستیکی طرح دار تقریباً شکل فرش است و بزرگ بودن او، بچه را محدود نمی‌کند.

ب. توجه به مکان بازی: اگر فصل تابستان است، در حیاط و بالکن و اگر زمستان است، در آشپزخانه یا حمام انتقال داده شود.

ج. آب بازی در حمام: هر وقت کودک را به حمام می‌برید، از آب بازی او جلوگیری نکنید تا خاطره خوشی در ذهنش بماند دغدغه سرما خوردگی کودک، از جمله نگرانی والدین هنگام آب بازی است. در اینجا چند راهکار وجود دارد:

- توجه به زمان آب بازی: در زمستان یکی دو ساعت قبل از زمان‌هایی که کودک قصد بیرون رفتن از خانه را دارد، زمینه آب بازی را فراهم نکنید.

- مدیریت تمایل کودک به آب بازی: مثلاً در حمام فرصت آب بازی بیشتری به کودک بدهید که در بیرون کمتر تمایل پیدا کند آب بازی کند.

- استفاده نکردن از وسایل سرمایشی در هنگام آب بازی.

۳. بازی با وسایل در کمد و کابینت: بچه‌ها دوست دارند به وسایلی که بزرگترها سرکار دارند، سرک بکشند. با تدابیری می‌شود از خراب کاری آن‌ها جلوگیری کرد، در عین حال جلوی آزادی آن‌ها را نگرفت. چند راهکار:



الف. چینش کمد یا کابینت: وسایلی که دوست ندارید کودک به آنها دست بزند، در طبقاتی بگذارید که دست کودک به آنها نرسد.

ب. محدود کردن دسترسی: اگر نمی‌توانید به هر دلیلی جلوی دسترسی کودک به وسایل ممنوع را بگیرید، آنها را در کمدی بگذارید و در آن را قفل کنید.

ج. مدیریت نگاه: مثلاً در قسمت پایینی کابینت، ظروف پلاستیکی رنگی که خیره‌کننده‌اند، بگذارید که خطری کودک را تهدید نکنند.

۴. خط خطی کردن: خط خطی کردن دیوار و کاغذ برای کودکان لذت بخش است، اما با این کار اعصاب شما هم خط خطی می‌شود. برای جلوگیری از این مشکل خود می‌توانید

الف. قسمت‌های پایینی دیوارها را سرامیک بزنید

ب. قسمت‌های پایینی دیوارها را کاغذهای ضخیم یا مقواهای نازک بچسبانید. با قانون مشارکت و هدایت، که قبلاً توضیح داده شد، هدایتش کنید.

ج. استفاده از کاغذها و نشریات بی‌مصرف و کتاب‌هایی که برای شما اهمیت دارند، از دسترس او دور نگه دارید.

۵. بازی با غذا: نکات قابل توجه در این زمینه عبارت است از:

الف. استفاده از زیرانداز بزرگ. ب. تهیه لباس مخصوص غذا خوردن. ج. مدت زمان بیشتری به کودک برای غذا خوردن بدهیم. در زمانی که بازی می‌کند، می‌توانید غذا دهندش کنید.

۶. بازی با کتاب: الف. گذاشتن کتاب‌های با اهمیت در بالای قفسه که کودک دستش نرسد؛ ب. اختصاص یک قفسه جدا برای کودک؛ ج. کتاب‌ها و کاغذهای بدون استفاده را به او بدهید، بگذارید پاره کند. اینکار برایش لذت بخش است.



۷. آزادی درمهمانی‌ها: الف. تعداد مهمانی‌ها را متمرکنید و روان کمتری برای آن بگذارید. ب: اگر میزبان مشکل دارد، با آزادی کودک پس کمتر به آنجا بروید و مدت زمان کوتاه‌تری بمانید. ج: می‌توانید در جمع‌ها از بحث آزادی کودک و آثارش برای بقیه بگویید تا استقبال کنند؛ د. برای کودکان اسباب بازی ببرید؛ ه. همبازی او شوید. و. برای خوراک کودک، باید از قبل آن را به شیوه‌های خلاقانه خود علاقه او را سمت خوراکی‌های مفید کشانده باشید.

۸. آزادی در خوردن

البته انجام این موارد، نیازمند هنر و آگاهی والدین است که نیازمند مطالعه بیشترشان در این موارد است.

خطوط قرمز آزادی کودک

نکته‌ای پایانی اینکه یکی از رفتارهای محبت‌آمیز که زیاده‌روی در محبت است، آزاد گذاشتن کودک در خطوط قرمز است که عبارتند از (همان، ص ۳۱):

۱. کار خطرناک: کار خطرناک، کاری است که به جسم یا روح کودک آسیب می‌زند. مثلاً بازی با چاقو، برق و یا اشیای داغ، برای جسم کودک خطرناک است. از سوی دیگر، دیدن فیلم‌ها یا کارتون‌های خشن هم برای روح او آسیب‌زاست. آزاد گذاشتن کودک، به معنای آن نیست که ما به او اجازه بدهیم به جسم و روحش آسیب بزند.

۲. کار زشت: مقصود ما از کار زشت، کاری است که برای بچه زشت باشد. مثلاً بازی با غذا برای بزرگ‌ترها زشت است؛ اما برای کودکان نه تنها زشت نیست، بلکه جذاب هم هست. بازی کردن با آلت تناسلی، گفتن حرف

رکیک و یا گاز گرفتن دیگران، از جمله کارهای زشت است. کسی نباید به بهانه آزادی، اجازه دهید کودک کار زشت انجام دهد. بچه‌ها وقتی در کودکی به کارهای زشت عادت می‌کنند، گاهی تا سنین نوجوانی و جوانی هم عادتشان را ترک نمی‌کنند.

راهکارهای مدیریت خطوط قرمز آزادی

اما برای مقابله با کار خطرناک و زشت، نیازمند دانستن مهارت‌هایی هستیم که در اینجا فقط به صورتی موردی به آنها اشاره می‌کنیم. (همان، ص ۱۸۹)

۱. هنر مقابله با کارهای خطرناک: الف. زمینه‌سازگرایش کودک به کار خطرناک نباشیم؛ ب. سعی کنید آموزش دهنده غیرمستقیم کار خطرناک نباشید؛ ج. اگر آزدایش برای کودک تامین شود، کمتر سراغ کار خطرناک می‌رود؛ د. استفاده از قانون مشارکت و هدایت، که قبلاً توضیح داده شد؛ ه. می‌توانید اگر خیلی اصرار دارد، نظارت کنید؛ و. دور کردن کودک از کار خطرناک؛ ح. قانون تبدیل؛ یعنی حواسش را به چیز دیگری پرت کنید؛ ط. پرهیز دادن از کار خطرناک با عطفوت؛ ی. اگر واقعاً هیچ کدام از این راه‌ها فایده نداشت، به خاطر خطری که کودک را تهدید می‌کند، مجبور به کمی تندی می‌شویم؛ ک. وقتی کودک از انجام کار خطرناک منصرف شد، با عطفوت برخورد کنیم

۲. هنر مقابله با کار زشت: الف. پیدا کردن علل و عوامل کار زشت و از بین بردن ریشه آن؛ ب. در دفعات اول، باید تغافل کنید؛ یعنی به روی خود نیاوردید که حساس نشود؛ ج. ذهن او را از این کار منصرف کنید و حواسش را به چیز دیگر پرت کنید؛ د. ترسیم زشتی کار در فضای قصه؛ ه. استفاده از شخصیت محوری،





کسی که از نظر کودک کاری که شخصیت محوری را خوشحال کند، زیبا و کاری که او را ناراحت کند، زشت است. اگر با این پنج مرحله، کار زشت او از بین نرفت، مجبوریم پرهیز با عطف و جدیت و تندى، که از جمله راه‌های مقابله با کار خطرناک است، اجرا کنیم.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به مسائل پیچیده تربیتی، مهم‌ترین نقش را روایات تربیتی ایفا می‌کنند. طبق روایات متعدد، زندگی انسان از بدو تولد تا ۲۱ سالگی، به سه دوره تربیتی تقسیم می‌شود. روایات گوناگونی در ارتباط با دوره نخست تربیت آمده که به اهمیت تربیت فرزند در این دوره اشاره می‌کنند. تعارضی در شش یا هفت سال بودن این دوره مشاهده می‌شود که تنها یک تعارض ظاهری است و اختلاف در فضای صدور احادیث موجب ایجاد این تعارض می‌شود. اما آنچه که در این پژوهش مورد اهمیت است، تاکید دیگر روایات بر تقسیم دوران تربیتی به سه دوره در روایت «یرخی الصبی» است.

معنی لغوی دقیق صبی، به معنای منعطف بودن و میل کردن بود. با اشاره به اینکه نرمی و ملایمت در رفتار والدین در شیوه تربیتی و آزادی دادن به کودک، در برابر محبت والدین نسبت به کودکان و متقابلاً نزدیکی رابطه کودکان با والدین، در پاسخ به این نیاز فطری آن‌ها، نقش مؤثری ایفا می‌کند. ایجاد رابطه عاطفی میان کودک و والدین، تخلیه انرژی و تامین آرامش کودک، دستورپذیری، پاسخ به حس کنجکاوی کودک، کمک به استقلال و بزرگ شدن کودک از آثار آزادی دادن به کودک در دوره اول تربیتی است و آثار سوئی همچون

شرارت، لجاجت، افسردگی، ترس، از بین رفتن برخی علایق مثبت، مخفی کاری، از بین رفتن اقتدار والدین، در نتیجه سلب آزادی که نیاز فطری کودکان است ایجاد می شود. در نتیجه، با توجه به دو امر آثار آزادی و سلب آن، بر اهمیت امر ملایمت، وفق و مدارا در رفتار والدین در دوره اول تربیتی که در روایت «یرخی الصبی» آمده تاکید شد.

حساسیت در چگونگی این آزادی و ملایمت رفتاری در روایت «یرخی الصبی»، با پاسخ به سؤال پژوهش در بخش چهارم مشخص می شود و با بیان سه اقدام مهم تربیتی در دوره اول تربیتی، نتیجه و تفاوت این اقدامات در تربیت دختر و پسر، و توضیح دقیقی که در ارتباط با راهکارهای هنر آزادی کودکان داده شد، به این نتیجه می رسیم که ملایمت، وفق و مدارا که در معنی لغوی یرخی به آن اشاره شد، چقدر دقیق و ماهرانه در کلمه یرخی گنجانده شده است.





منابع

* نهج البلاغه

* نهج الفصاحه.

۱. ابن بابویه قمی، محمد (شیخ صدوق) کتاب من لا یحضره الفیه، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳
۲. ابن شعبه، حسن، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی عطایی، تهران، انتشارات علمیة اسلامی، ۱۳۶۳
۳. احمدی، محمدرضا، مبانی روان شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده، معرفت، ش ۱۰۴
۴. بهشتی، احمد، تربیت کودک در جهان امروز، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم، ۱۳۷۷.
۵. توکلی، الهام، افسردگی در کودکان: عالم، ویژگیها و راهبردهای درمانی دانشگاه عالمه طباطبائی سال ۱۸، شماره ۴، پیاپی ۱۵۳، ۱۳۹۷
۶. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۵ هـ. ق،
۷. حسین زاده، اکرم نگاهی به مراحل تربیت کودک از منظر دین، مجله طوبی اسفند ۱۳۸۴، شماره ۳.
۸. حق جو، محمد حسین، ترس و دلهره، ص ۱۵۴-۱۴۶، قم، انصارالمهدی، ۱۳۷۵
۹. سلیمان زاده، جواد؛ مصطفائی، محمد؛ یوسفی، محمد (زمستان ۱۳۹۹). تحلیل الفقه الحدیثی تعارض روایات «طول دوره نخست تربیت» آموزه های حدیثی. سال چهارم (شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۹).
۱۰. صدوق، خصال، تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، من لا



یحضره الفقیه، ۱۳۶۲

۱۱. طبرسی، حسین بن فضل (ق ۶)، مکارم الاخلاق، جلد ۱، قم: انتشارات رضی، ش، سوم، ۱۳۷۰

۱۲. عالم زاده نوری، محمد، مجله، پگاه حوزه ۱۳۸۷ شماره ۲۴۳

۱۳. فریدون، کامران، نقش عدم همدلی والدین بر بزهکاری نوجوانان، تخصصی جامعه شناسی، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۴

۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶

۱۵. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، بی تا.

۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانور، الجامعه، لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسه الفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق،

۱۷. منصور، مهرزاد. نقش قصه در تربیت کودک. تربیت. سال پانزدهم، شماره دوم

۱۸. میلانی فر، بهروز، روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی، ص ۲۱، تهران، قومس، چ ششم، ۱۳۶۹،

۱. پایگاه اینترنتی، بیان معنوی.....
http://panahian.ir/post/4747.....

۲. پایگاه خبری، خبر آنلاین ۱۳۹۳.....
https://www.khabaronline.ir/news.....

۴. شهبازی، مهدی (۱۲ آذر ۱۳۹۳). تعلیم و تربیت (کودکان زیر ۷ سال) ۶.

https://mahdishahbazi.blog.ir/1393/09/12